

تاجیکان چین

آگاهی ما ایرانیان از کاشغر و مناطق مسلمان نشین حول و حوش تبت و نیال وهنرا بسیار کم و در قرون اخیر به هیچ رسیده است. در حالی که اروپائیان، مخصوصاً در قرن نوزدهم، سفرهای زیادی به آن صفحات کرده و کتابهای متعددی هم بصورت سفرنامه و هم بصورت تحقیقات زبانی و مردمشناسی و باستانشناسی منتشر کرده اند. خوشبختانه امسال دکتر منوچهر ستوده توانست در همصحبتی دکتر محمد دبیرسیاقی خود را به کاشغر برساند، جایی که سعدی به خیال بد آنجا سفر کرد. ستوده اطلاعات علمی مفید هدیه احباب آورده و این است بخشی از آن.

ناحیه «سین جیانگ» یا ترکستان چین در شمال غربی خاک چین است و بیست و نهمین ناحیه از پنجاه و یک ناحیه این کشور است که پس از مغولستان درونی (مغولستان خاک چین) بزرگترین ناحیه چین محسوب می شود و میان ۷۳ درجه و سی دقیقه و نود و پنج درجه (تقریبی) طول شرقی و سی و چهار درجه و پنجاه و یک درجه (تقریبی) عرض شمالی قرار دارد.

این ناحیه از شمال شرقی به مغولستان و از شمال غربی به سرچشمه های سیر دریا و آمودریا، از شرق و جنوب به خاک چین و از جنوب غربی به کشمیر و سند (پاکستان) و افغانستان محدود می شود.

رشته کوه های آلتای (= آلتائی) میان مغولستان و سین جیانگ است و رشته کوه های تیان شان (به معنی کوه های آسمانی)، تقریباً از وسط این محدوده جغرافیائی، از شمال تورفان از شرق به غرب کشیده شده است و رشته کوه های کونلون (= کونلون) در جنوب این محدوده است که آن نیز از شرق به غرب امتداد دارد. بلندترین قله های جهان پس از اورست (۸۸۸۱ متر) قله قراقرم (۸۶۱۱ متر) و قله کونلون (۷۲۸۲ متر) در جنوب غربی و قله کنگور (۷۷۱۹ متر) و قله موزتاگ آتا (۷۵۴۶ متر) در غرب این ناحیه در منطقه پامیر است. در مقابل این قله های سر به فلک کشیده، گودترین نقطه جهان در خشکی هم در تورفان است که به (منهای ۱۵۴ متر) می رسد.

مهمترین رود این ناحیه رود تارم است که شاخه های آن از این قرار است:

- ۱- شمالی ترین شاخه آن رود موزات است که خود مستقیماً به عمود تارم می پیوندد.
- ۲- پس از آن رود تسکان (بضم تاء) که پس از پیوستن با شاخه آق سو به عمود

اصلی می رسد.

۳- شاخه قزل که پس از گذشتن از میان شهر کاشغر، رود کاشغر نامیده می‌شود
 ۴- دیگر شاخه یارکند است که خود دارای شاخه‌های متعدد است. يك شاخه آن از کنار ورشیده (تاشقرغان) و دو شاخه اصلی آن از دامنه‌های رشته قراقرم سرچشمه می‌گیرد و شاخه تیزن آب^۲ به آنها می‌رسد و پس از دریافت کاشغر دریا و آق‌سو در مرداب لپ‌نور^۳ (بضم لام) فرو می‌رود.

۵- دیگر ختن دریاست که از دو شاخه یورونگ‌کاش و کاراکاش از دامنه‌های کوه‌های کوئنون سرچشمه می‌گیرند و نزدیک محل اتصال آق‌سو به عمود اصلی تارم ملحق می‌شود.

از عوارض طبیعی این ناحیه دو بیابان عظیم یونگاری (=زونگاری) در شمال و بیابان تکلهمگان (بفتح تاء و سکون کاف) در جنوب است.

راه‌های غربی که به سرچشمه‌های رود ایلی و سیر دریا و آمو دریا و رود سند می‌رود

۱- راه سانتائی که از کنار دریاچه سیرام به کرگاس^۴ (بضم کاف) می‌رسد و با راه گولجا نزدیک کرگاس تلاقی می‌کند و پس از گذشتن از گرده‌ای میان خاک چین و روسیه به پانیلیو (بضم لام و سکون واو) می‌رسد و پس از بیرون آمدن از این محل به دوشاخه می‌شود. شاخه شمالی به ساریوزک (بکسر زاء) می‌رود و سپس به کنار دریاچه بالخاش می‌رسد و شاخه دیگر به جاده ماشین‌رو آلتا می‌افتد.

۲- راه کاشغر از «بای‌کورت» می‌گذرد و به نارین می‌رسد و کنار دریاچه «ایسیک‌گول» به دوشاخه می‌شود. شاخه‌ای کنار رود «چو» می‌رود و به فرونتز و ژامبول در خاک روسیه می‌رسد. شاخه دیگر کنار رودخانه نارین می‌افتد و از تاش کمیر (بضم کاف) می‌گذرد و به نمگان و اوش و اندیجان و خوقند می‌رود که در سرچشمه های سیر دریا قرار دارند.

شاخه دیگر به طرف جنوب می‌آید و از کنار دریاچه قراکول می‌گذرد و به مرغاب و روشان و خرك (بضم خاء و راء) می‌رسد و کنار رودخانه پنج که سرچشمه‌های آمو دریاست سرازیر می‌شود.

۳- راه ورشیده (تاشقرغان) که از گرده خنجیراب (بضم خاء) گذشته به بالتیت (هونزا) و گلگیت (بکسر کاف) می‌رسد و کنار رودخانه سند می‌افتد و به کشمیر و سند (پاکستان) می‌رود.

ناحیه سین جیانگ از قدیمی‌ترین ایام مورد تهاجم ایلات و طوایف و تیره‌های

۱- ورشیده < ور + شید + ده = دهکده‌ای که بر آفتاب است. در سال ۱۹۵۴ میلادی یعنی ۳۴ سال پیش حکومت این نام را به تاشقرغان تبدیل کرده است.

۲- تیزن = تیزن (حدود العالم) = تیجن = تجن. که نام یکی از رودهای مازندران است.

۳- لپ‌نور، جزء اول مارا به یاد «لیو» به فتح لام می‌اندازد که در طبری به معنی آب ایستاده کم عمق است و جزء دوم «نور» = نوئور = نااور = ناور: آب بندان و استخر برای آبیاری شالیزار (گرگان).

۴- این نام شباهت زیاد به کرگاس (بفتح کاف) دارد که نام یکی از دهکده‌های اسپجین است.

مختلف ترك و مغول و ازبك و قزاق و قرقیز و اویغور بوده و از همین گذرگاههای آلتائی و تیان‌شان است که ایران و روم شرقی و کشورهای جنوبی اروپا مورد تاخت و تاز قرار گرفته‌اند.

قرقیز گله‌دار و اویغور کشاورز ظاهراً دو گروهی بوده‌اند که پس از دیگر طوایف به‌ناحیه سین جیانگ قدم گذارده‌اند، چه آنها هنوز هم در این سرزمین بسر می‌برند. کاشغر که روزی بیشتر جمعیت آن تاجیکان بودند، امروز اویغوران جانشین ایشان شده‌اند و فقط دوازده خانوار تاجیک در این شهر آباد و زیبا باقی مانده است. دهکده تفرمه (بفتح تاء و کسر غین) که در فاصله کمی از ورشیده (مرکز تاجیکان) است و روزی تاجیک‌نشین بوده، امروز نیمی از ساکنان آن قرقیزند. تاجیکان این سرزمین هم با هر موج تاخت و تاز خود را عقب‌تر کشیده‌اند و امروز در غربی‌ترین نقاط خاک سین جیانگ به ادامه حیات مشغولند. این عقب‌نشینیها سبب شده است که امروز بیشتر از یک‌ششم خاک سین جیانگ در دست تاجیکان نیست.

دهکده‌های تاجیک‌نشین

تاجیکان چین که به تاجیکان سرکوهی یا به‌قول اویغورها سرقاری یا سرقیری به‌معنی «سر برفی» مشهورند با جمعیتی در حدود ۲۶ هزار تن در دهکده‌های زیر زندگی می‌کنند:

- ۱- ورشیده (= تاشقرغان) ۵ که حکومت‌نشین است. در نزدیک این شهرك قلّه‌ای بربلندی است که چینیان در آن ساکنند. ۲- یارکند. ۳- پسکام (بفتح پ) ۴- قارقالیق. ۵- گوما ۶- قولجا ۷- تفرمه (بفتح تاء و کسر غین). که ساکنان آن نصف قرقیز و نصف تاجیکند. ۸- ترناب (بکسر تاء) ۹- کزغون (بضم کاف) ۱۰- سرق جولفا (بفتح سین و کسر راء) ۱۱- قراچغور (بضم چ) ۱۲- تغلان‌شا (بضم تاء) ۱۳- چیچک لیک (بفتح چ دوم) ۱۴- پس‌بلدر (بفتح باء و دال) ۱۵- شینده ۱۶- تارباش ۱۷- وچا (بفتح واو) ۱۸- مریان (بفتح میم) ۱۹- نشدن (بضم نون و دال) ۲۰- پیل ۲۱- پیچان یارد ۲۲- زنکان (بفتح زاء) ۲۳- برومسال (بضم باء) در این دهکده کمی سنی مذهب و چهار یاری هستند ۲۴- تونگ (بضم تاء و سکون نون) ۲۵- لنگر ۲۶- بالا لنگر ۲۷- کاندلاخج (بفتح دال و سکون خاء) ۲۸- قلعه ۲۹- دارا ۳۰- قوقوش‌لوق تعداد کمی اویغور در اینجا ساکنند ۳۱- وچا (بفتح واو) ۳۲- شاز قلعه (بفتح شین) ۳۳- کرغ (بضم کاف) ۳۴- شرف ده ۳۵- وخیج ده (بفتح واو) دهکده‌ای که وخیها از اهالی واخان خوراسان (افغانستان) در آن ساکنند.

زبان و آیین تاجیکان

مردان تاجیک پنجاه شصت ساله با ما به زبان فارسی گلستان سخن می‌گفتند. آقای زلال والی تاجیک که در دوران انقلاب فرهنگی والی کاشغر بود و فعلا هم بازنشسته و حقوق بگیر دولت چین است به فارسی با ما سخن می‌گفت و شعر گلستان می‌خواند. سید عیسی شاهزاده مبلغ اسماعیلیان ناحیه سرکوه، فارسی را روان صحبت می‌کرد. خلاصه گفتگوی ما با مردان مسن تاجیک به فارسی بود.

به دستور دولت چین در سال ۱۹۵۴ میلادی زبان فارسی از مدارس تاجیکان حذف شد و در نتیجه نسل امروز به زبان و خط اویغوری یا زبان و خط چینی آشناست. لهجه محلی سرکوه یکی از لهجه‌های فارسی به نام لهجه وخی است که زبان اهالی واخان خوراسان (افغانستان) است که مورد بررسی یکی دو تن از مستشرقان قرار گرفته است.^۶

آقای زلال والی گفتند در دهکده پریراد نزدیک ختن تمام اهالی به فارسی سخن می‌گویند. فرصتی پیش نیامد تا این دهکده مورد بررسی قرار گیرد. ان‌شاءالله دسفر های بعد، از این دهکده بازدیدیدی به عمل خواهد آمد.

دولت چین در دانشگاه پکن برنامه تدریس فارسی دارد و پنج شش نفر از دانشجویان تاجیک که این برنامه را گذرانده بودند، فارسی بلد بودند.

رسم و راه زندگی

تاجیکان اسماعیلی هفت امامی هستند و مانند ما شیعیان دوازده امامی پای بند نماز و روزه نمی‌باشند. صدای اذان در ورشیده و دهکده‌های اطراف شنیده نشد. در صورتی که در ازومچی (مرکز حکومت سین جیانگ) و کاشغر و سایر دهکده‌هایی که اهل سنت و جماعت در آن ساکنند بانگ الله اکبر عالم گیر است. به جای مسجد، تاجیکان گاهی در جم‌خانه گرد هم می‌آیند و نمازی طبق سنت خود می‌گزارند. پرداخت عشریه مال، نیازی به جای نماز است.

زندگی داخل دهکده‌ها زندگی نیمه اشتراکی است و جنگ و منازعه و کشمکش در میان اهالی نیست. پدرشاهی میان شهر نشین و ده نشین هنوز برجای است و زنان احترام مردان را دارند. پایه زندگی بر کشاورزی است و گاو و گوسفندی برای شیر مصرفی خود دارند و شتر و اسبی برای حمل و نقل کالا و سواری نگاه می‌دارند. مواد غذایی بیشتر نان و گوشت و لبنیات است ولی گوشت و کباب زیاد مصرف می‌شود. بیشتر غذاهاشان همانند غذاهای ماست. هنوز روی نان سیاه تخمه و پیازک خشک کوهی می‌زنند.

با ورزا زمین را شیار می‌کنند و با دست تخم می‌افشانند و با داس درو می‌کنند و با پنجه چوبین باد می‌دهند و گندم را به آسیاب می‌برند و نان را در تنور زمینی می‌پزند و پلو و چلو را با دست می‌خورند خلاصه زندگانشان همانند زندگی گذشته ماست.

۶- نگاه کنید به فرهنگ ایران زمین جلد اول سال ۱۳۳۲ شمسی ص ۳۷.